



## دانشگاه پیام نور

پایان نامه  
برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد  
در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور اهواز  
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :  
ادبیات غنایی در ادبیات معاصر عرب خوزستان

استاد راهنما :  
دکتر عادل سواعدی

استاد مشاور :  
دکتر مهدی کدخدای طراحی

نگارش :  
عادل کنعانی زاده

# دانشگاه پیام نور

پایان نامه  
برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد  
در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور اهواز  
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :  
ادبیات غنایی در ادبیات معاصر عرب خوزستان

استاد راهنما :  
دکتر عادل سواعدی

استاد مشاور :  
دکتر مهدی کدخدای طراحی

نگارش :  
عادل کنعانی زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

صور تجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خانم/ آقای: عادل کتغای زاده

پدانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۴۴۵۸

تحت عنوان: ادبیات غنایی در ادبیات معاصر عرب خوزستان

با حضور هیات داوران در روز یکشنبه مورخ ۲۵ مهر ۱۳۸۹ ساعت ۱۷:۰۰ ما

در محل تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور استان خوزستان مرکز اهواز برگزار شد و هیات

داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۷/۰۰ به

حروف هفتمه با درجه خوب تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه دانشگاهی	امضاء
۱	عادل سوا عدی	استاد راهنما	استاد	
۳	محمدی کردخانی مرادی	استاد مشاور	استادیار	
۲	محمد رضا کرمی	استاد داور	استادیار	
۵	محمد شکرانی	نماینده تحصیلات تکمیلی	استاد	

تقدیم به استاد بزرگوار  
دکتر محمد امین رکنی  
که موضوع این پایان نامه  
پیشنهاد ایشان به نگارنده بوده است

با سپاس فراوان از استاد راهنمای بزرگوار  
دکتر عادل سواعدی ،  
استاد مشاور بزرگوار  
دکتر مهدی کدخدای طراحی  
و همه ی استادان بزرگواری که از دانش  
و راهنمای ایشان بهره برده ام  
و با سپاس فراوان از کردار و رفتار شایسته ی  
خانم بارانی  
و همه ی دست اندرکاران محترم  
دانشگاه پیام نور اهواز

## چکیده

درست است که ادب حماسی یکی از مهم ترین بخش های ادبیات معاصر عرب خوزستان است اما واقعیت امر ، مهم ترین بخش این ادبیات را ادبیات غنایی می داند . ادبیات غنایی معاصر عرب خوزستان آینه ای است که همه ی جریان ادب غنایی کلاسیک عرب ، کلاسیک فارسی ، معاصر عرب و معاصر فارسی را برای ادب دوستان و خوانندگان ، منعکس می کند . در این ادبیات ، گوناگونی موضوعات واقعاً چشم گیر است . این ادبیات به سه لهجه نوشته و قالب شعری متنوعی را متضمن می شوند . آرایه های ادبی و صور خیال متعدد و زیبایی این ادبیات بی هیچ چون و چرایی نشانگر هنر و توانایی سرایندهگان آن هاست ، هنر و قدرتی که معرفی آن ها به فرهیختگان ، ادب دوستان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی ، لازم است . روش به کار رفته برای انجام دادن این تحقیق ، روش کتاب خانه ای و ابزار گردآوری اطلاعات ، فیش و فیش برداری بوده است .

مطالعه و بررسی کردن این پایان نامه خواننده را با چگونگی و گوناگونی مضامین ادبیات یاد شده آشنا و او را از آرایه های ادبی آن ها باخبر می کند . این بررسی ، هم چنین موجب پی بردن این خواننده به اثرپذیری این ادبیات از دیگر ادبیات می شود کما این که او را به توانایی ادبیات معاصر عرب خوزستان و کشف نکات مشترک بین این ادبیات و دیگر ادبیات به ویژه ادبیات فارسی رهنمون می شود .

**کلیدواژه :** ادبیات غنایی ، ادبیات معاصر عرب ، خوزستان

## فهرست مطالب

مقدمه	۱ - ۲
پیش گفتار	۳ - ۵
فصل اول: کلیات	۶ - ۹
<b>فصل دوم: اثرپذیری ادبیات غنایی معاصر عرب خوزستان</b>	
بخش نخست: اثرپذیری از ادبیات غنایی کلاسیک عرب	۱۰ - ۲۳
بخش دوم: اثرپذیری از ادبیات کلاسیک فارسی	۲۳ - ۲۴
بخش سوم: اثرپذیری از ادبیات معاصر عرب	۲۴ - ۲۷
بخش چهارم: اثرپذیری از ادبیات معاصر فارسی	۲۸ - ۲۹
فصل سوم: مضامین ادبیات غنایی معاصر عرب خوزستان	۳۰ - ۵۷
<b>فصل چهارم: قالب های شعری ادبیات غنایی معاصر عرب خوزستان</b>	
بخش نخست: لهجه ی بدوی	۵۸ - ۵۹
بخش دوم: لهجه ی فصیح	۵۹ - ۶۴
بخش سوم: لهجه ی غیر فصیح	۶۴ - ۸۴
<b>فصل پنجم: آرایه های ادبی</b>	
بخش نخست: بدیع	۸۵ - ۹۷
بخش دوم: معانی	۹۷ - ۱۰۲
بخش سوم: بیان	۱۰۲ - ۱۴۰
<b>فصل ششم: معرفی برخی از شاعران معاصر عرب خوزستان و نمونه هایی از اشعار آن ها</b>	
علی غریفی	۱۴۱ - ۱۵۳
فاضل سکرانی	۱۵۴ - ۱۶۰
عادل سکرانی	۱۶۱ - ۱۶۹
<b>پایان سخن: خلاصه و نتیجه ی تحقیق</b>	
کتاب نامه:	۱۷۱ - ۱۷۴



## مقدمه

پیش از پرداختن به متن اصلی پایان نامه، لازم آمد مقدمه ای برای روشن شدن موضوع و تعریف موارد مهمّ عنوان پایان نامه، آورده شود:

۱- ادبیّات غنایی و گستره ی آن ها: سیروس شمیسا در کتاب انواع ادبی می نویسد: «ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند. ... لیریک را در عصر ما (شاید به تبع عرب ها) که به شعر عاشقانه و عاطفی الشّعر الغنایی می گویند به ادبیّات غنایی ترجمه کرده اند و به دو معنی اشعار عاشقانه و بزمی به کار برده اند. ... مرثیه هم جزو ادب غنایی است. ... شعر لیریک ممکن است عاشقانه باشد، در این صورت به آن Love Lyric می گویند که همان شعر عاشقانه یا تغزلی یا غزل است. ... شعر غنایی در دو معنی به کار می رود: الف - بیان احساس و عواطف شخصی ب - اشعار عاشقانه. ... مهم ترین فرق بین حماسه و غنا در نگرش بیرونی و درونی است. ادبیّات غنایی نگاه درونی شاعر به جهان است. ... چنان که گفته شد یک معنی غنا اشعاری است که بیان احساس و عواطف می کند؛ در این صورت شاعر با نگاهی عاطفی، به مسائل درونی خود رنگ فلسفی و جامعه شناختی می دهد و با طرح مسائل عمیق روانی و فلسفی، مسائل انسان را در ارتباط با حیات و ممات، داشتن و نداشتن، خوش بختی و بدبختی و امثال این ها به شکلی مؤثر و اندوهناک، توصیف می کند.»<sup>۱</sup>

۲- ادبیّات معاصر: ادبیّاتی هستند که از صد سال پیش تا به امروز، ایجاد شده اند. محدوده ی یک قرن یا یک سده تقریبی است.

۳- محدودیّت ادبیّات به اشعار و آثار منظوم: به دلیل جوان بودن ادبیّات منثور، مخصوصاً بخش غنایی آن ها، در این تحقیق، اشعار و آثار منظوم مدّ نظر هستند.

---

۱. شمیسا، سیروس، انواع ادبی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶ ه. ش، ص ۸۳، ۸۴، ۸۶ و ۸۷

۴- در این تحقیق ، واژه ی قصیده ، معمولاً به معنی و مفهوم و اصطلاح عربی آن ، به کار می رود نه اصطلاح فارسی آن . در این جا نه مضمون ، نقشی در نام گذاری دارد و نه عدد ابیات شعر . اصطلاح قصیده ی عربی ، هم قالب قصیده و هم قالب غزل به مفهوم فارسی را در بر می گیرد .

۵- در این پایان نامه ، واژه ی غیر قصیده در برابر یا مخالف واژه ی قصیده است . غیر قصیده در بر گیرنده ی نظم هایی از قبیل رباعی ها ، دوبیتی ها و ... می شود ؛ حتی اگر این نظم ها خیلی بلند باشند . برخی از این قالب ها ، به نامی ، نامیده شده اند و برخی دیگر ، بی نامند .

## پیش گفتار

### ۱- عرب ها و ادبیات غنایی :

« شعر عاشقانه ، بخش های بزرگی از شعر جاهلی را در بر گرفت ، تا جایی که می توانیم بگوییم : « بیش تر شعر جاهلی به شعر عاشقانه پیوند خورده بود ، یا به آن ، محدود می شد . » شاعران جاهلی به مدیحه سرایی و فخر فروشی ، رو نمی آوردند مگر این که در سرزمین معشوقه ، درنگی کرده تا از آن سرزمین ، پرسشی در مورد ساکنین ترك دیار کننده اش ، کرده باشند ، یا این که همراه با آن دیار ، به یاد بیاورند خاطراتی که قلب را شاد و یا غمناک ، کند .<sup>۱</sup> » صلاح هواری می افزاید : « نوآوری این شاعران در آن چه از شعر ، به جا گذاشتند ، شاید از اثرگذاری آتش عشقی بود که در دل هاشان ، افروخته می شد و دنده ها و کبدهای آن ها را ، نابود می کرد و شاید به دور از حقیقت نباشد اگر گمان کنیم آن چه را که شاعران برای ما به ارمغان آوردند از تابلوهای عاشقانه ی سر زنده ی با تپش و آتش دل ها ، اصرار دارد که شاعر جاهلی فقط زبان و شمشیر بر کشیده ی قبیله علیه دشمنان نبود بلکه او گیتار منعکس کننده ی صداها ی نفس و ناله های درون و ضربان قلب خویش بود .<sup>۲</sup> »

### ۲- ادبیات مردم عرب خوزستان :

در صفحات ۳۱ و ۳۲ کتاب ( کتاب خوزستان ) آمده است : احمد کسروی در کتاب ( شهر یاران گم نام ) حضور مردم عرب در خوزستان را در دوره ی اشکانیان محتمل دانسته است . او در این باره می نویسد : « تا آن جا که یقین است و دلیل در دست هست ، هجرت تازیگان به ایران را باید قرن ها پیش از اسلام و آغاز پادشاهی ساسانیان گرفت . » او سپس شرحی از تاریخ طبری ذکر می کند بدین گونه که طایفه ای از قبیله ی معروف « بنی تمیم » که نیای آن ها مُرّة بن مالک بن حنظله بوده و به « بنو العم » معروف بودند ، با گروه پیروان خود ، اردشیر بابکان را در جنگی که با اردوان اشکانی داشته ، یاری کرده اند . وی در مقاله ی دیگری که به طور خاص درباره ی توطّن مردم عرب است ، زمان حضور آن ها در این سرزمین را ، سده های اولیّه ی میلادی و در عهد اشکانیان دانسته است .<sup>۱</sup>

---

۱ و ۲ . الهواری ، صلاح ( برگزیننده ) ، زیباترین شعرهای عاشقانه ( دوره ی جاهلیت ) ،

منشورات تیسیر و بحار ، ۱۹۹۷ میلادی ، ص ۴ و ۵

نزد مردم عرب خوزستان ، شعر و شاعری از اهمّیت و جایگاه خاصی برخوردار هستند .  
« ... شاعرانی همچون ابو نواس اهوازی که جزو شاعران مشهور و نام آور زبان عربی است ،  
شعرای هویزه و دورق که بنیانگذار « شعر بند » بوده اند ، شهاب الدّین موسوی معروف به ابن  
معتوق ... ، دعبل خزاعی ، حسن بن عبدالله عسکری ، ابن سگیت و ابو هلال عسکری ( دو نفر  
اخیر به عنوان ادیب مشهورند ) ، ابو العیناء ( القاسم الهاشمی ) ادیب و شاعر و ... مبین میراث  
فرهنگی غنی این خطّه از میهن ما هستند .<sup>۲</sup> »

« سخن سرایی در میان عرب های خوزستان هنر شکوفایی است که حتّی در بدترین  
شرایط اجتماعی ، سینه به سینه نقل شده است . این به معنای نبود دیگر هنرها نیست بلکه شعر  
همیشه بر آن ها سروری داشته است .

... در خوزستان ، پس از گسستگی امپراتوری اسلامی و رواج ملوک الطّوایف ، دربار  
فرمانروایان آل مشعشع ، محلّ تجمّع فقیهان شیعه ، دانشمندان و شاعران بود . سرآمد این  
شاعران ، شهاب الدّین موسوی معروف به ابن معتوق حویزی است که اخیراً انتشارات « دار  
صادر » بیروت ، دیوان او را برای چندمین بار تجدید چاپ کرده است . ملّا سلمان سلیمانی ،  
اسحاق قیّم و طاهر بن اسحاق قیّم در دوره ی آل بوچاسب ( جابر و خزعل ) مشهور بوده اند .

شاعران عرب در خوزستان هم به زبان فصیح عربی و هم به لهجه ی محلی شعر می  
سرایند ... شعر فصیح همانند شعر معاصر جهان عرب و شعر معاصر ایران گواه دو جریان  
شعر کلاسیک و شعر

نو است ... از سویی شعر آزاد که اکنون سبک برخی از شاعران جوان عرب است هم از شعر  
آزاد

جهان عرب و هم از شعر نو پردازان ایرانی ، تأثیر می پذیرد .<sup>۳</sup> »

---

۱ . بنیاد خوزستان شناسی، کتاب خوزستان (جلد دوم)، نشر شادگان، ۱۳۸۳ هـ . ش، ص ۳۱

و ۳۲

۲ . همان ، ص ۵۳

۳ . عزیزی بنی طرف، یوسف، قبایل و عشایر عرب خوزستان، مهدی ، ۱۳۷۲ هـ . ش ، ص

۱۳۲ ، ۱۳۲ و ۱۳۳

### ۳- پیشینه ی ادبیّات غنایی عرب های خوزستان :

به دلیل داشتن خصوصیات مشترک ، عرب های خوزستان دوره ی جاهلی و دوره های پس از آن ، بی گمان ، مانند دیگر خویشاوندان خود در سرزمین های دیگر ، به ادبیّات و ادبیّات غنایی پرداخته اند . در بخش دوره ی عبّاسی کتاب (زیباترین اشعار عاشقانه ) می خوانیم :

« جریان اشعار عاشقانه ی این دوره ، همچنان ، پر رونق ماند تا جای که تصوّر می کنیم هیچ شاعری نبوده است که در این مضمون ، اشعاری را به نظم نکشیده باشد . دو گرایش بی پرده گویی و سر پوشیده گویی این جریان که در دوره ی اموی حاکم بود ، بخش اعظم تولید ادبی شاعران این دوره را تشکیل می دادند .<sup>۱</sup> »

یکی از شاعران غنایی مشهور دوره ی عبّاسیان ، ابو نواس اهوازی است که در بخش شاخص های لغت نامه ی المنجد این گونه معرفی می شود :

« ابو نواس ( الحسن بن هانی ) ( ۷۵۷ - ۸۱۴ میلادی ) : در اهواز متولد شد . از شاعران بزرگ عصر عبّاسی است . به شاعر شراب ، ملقب شد . در بصره تحصیل کرد . شاگرد خلف احمر و ابو عبیده و ابوزید انصاری بود و حدیث را از دانشمندان زیادی یاد گرفت . به بادیه رفت و با اعراب معاشرت کرد تا این که زبان او از بابت فصاحت ، راست شد . از بصره به بغداد نقل مکان کرد . هارون الرشید او را به خود نزدیک و امین ، او را شاعر مخصوص خویش کرد . ابو نواس با برمکیان ، رابطه برقرار کرد . به شراب خواری روی آورد و در عیاشی ، زیاده روی کرد . در آخرین روزهای زندگی ، توبه کرد . دیوان شعری دارد که بهترین شعرهایش ، خمریّات آن است .<sup>۲</sup> »

---

۱ . الهواری ، صلاح ، ( برگزیننده ) ، زیباترین اشعار عاشقانه ( دوره ی عبّاسی ) ، منشورات

تیسیر و بحار ، ۱۹۹۷ میلادی ، ص ۴

۲ . گروه نویسندگان ، منجد ( بخش شاخص ها ) ، منشورات مشرق ، ۱۹۷۶ میلادی ، ص ۱۹

## فصل اول

### کلیّات

ادبیّات غنایی ، زیر مجموعه ای از مجموعه ی انواع ادبی هستند . به همین سبب پیش از بررسی این ادبیّات ، به شرح مختصر انواع ادبی پرداخته می شود .

« انواع ادبی در ردیف سبک شناسی و نقد ادبی یکی از اقسام جدید علوم ادبی هستند . موضوع اصلی آن ها طبقه بندی کردن آثار ادبی از نظر مادّه و صورت در گروه های محدود و مشخصی است . در انواع ادبی این پرسش مطرح است که آیا هر اثر ادبی برای خود وجود مجزّاً و مستقلی دارد و یا می توان بین گروه هایی از آن ها ارتباط و تشابهی یافت ؟ به عبارت دیگر آیا ادبیّات مجموعه ای از آثار پراکنده است یا برعکس بر هر دسته از آثار ادبی – چه به لحاظ مادّه و چه به لحاظ صورت – نظم و قانونی حکم فرماست ؟ این مهم در ادبیّات به وسیله ی انواع ادبی صورت می گیرد .<sup>۱</sup> »

انواع ادبی ، چون دیگر شاخه های ادبیّات ، سابقه ای تاریخی دارند . در این جا به این سابقه ی تاریخی ، نگاهی می اندازیم :

« انواع ادبی ترجمه ی Literary genres هستند . ژانر در فرانسه به معنی نوع است و در انگلیسی هم با همین تلفظ فرانسه به کار می رود . اصل آن گویا لغت یونانی گنز است که به عقیده ی برخی با جنس عربی هم ریشه است . سابقه ی انواع ادبی مثل غالب علوم ادبی به آثار ارسطو و هوراس رومی می رسد . در فنّ شعر آنان ، حماسه و تراژدی دو نوع عمده اند . البته ارسطو از انواع دیگر هم نام می برد و بین نمایش drama و حماسه و غنا فرق می گذارد . هر چند ارسطو از ادب

غنایی Lyric بحث نمی کند ولی به طور کلی می توان گفت که در نزد قدمای غرب، انواع عمده ی

---

۱ . شمیسا ، سیروس ، انواع ادبی ، دانشگاه پیام نور ، ۱۳۷۶ ه . ش ، ص ۱۲

ادبی عبارتند از : ۱- حماسی Epic ۲- غنایی Lyric ۳- نمایشی dramatic که خود بر دو نوع است : سوگ نامه یا تراژدی tragedy و شادی نامه یا کمدی comedy . در نزد فرنگیان انواع دیگری از قبیل طنز هم مطرح بود که به اهمیت انواع اصلی فوق نیست . در دوران معاصر ، انواع جدیدی به انواع ادبی سابق افزوده شدند : داستان بلند ، داستان کوتاه ، بیوگرافی ، خاطره نویسی ، مقاله نویسی و از این قبیل .<sup>۱</sup> «

### حماسه :

« حماسه ( به فتح اول ) که در لغت به معنی دلاوری و شجاعت است از قدیمی ترین انواع ادبی است . حماسه شرح تاریخی قبل از دوران تاریخی است . گزارشی است از اوضاع روزگاران نخست و تاریخ صدر جهان و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می کند . از زمانی که ملتی در راه حصول تمدن گام نهاده است سخن می گوید . در آن سخن از جنگ هایی است که برای استقلال و بیرون راندن یا شکست دشمن یا کسب نام و به دست آوردن ثروت و رفاه صورت گرفته اند . قبایل و تیره های گوناگون متحد شده اند و اندک اندک ملتی به وجود آمده است . از این رو حماسه های هر ملتی بیان کننده ی آرمان های آن ملت هستند و مجاهدات آن ملت را در راه سربلندی و استقلال برای نسل های بعدی روایت می کنند . حماسه شعر ملل است به هنگام طفولیت ملل ، آن گاه که تاریخ و اساطیر ، خیال و حقیقت به هم آمیخته اند و شاعر ، مورخ ملت است .<sup>۲</sup> «

### ادب غنایی :

« ادب غنایی در اصل اشعاری هستند که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کنند . این گونه اشعار - که کوتاه بودند - در یونان باستان با سازی به نام لیر نواخته می شدند و از این رو در زبان های فرنگی به اشعار غنایی ، لیریک Lyric می گویند . اصولاً در اکثر نقاط جهان ، اشعار عاطفی و عاشقانه و سوزناک با موسیقی هم راه بوده اند . ... در شعر غنایی گاهی سخن گو خود شاعر است و گاهی کس دیگر . به هر حال بر خلاف آن چه در نظر اول به ذهن متبادر می شود ممکن است شاعر ، نقابی بر چهره داشته باشد و خود را مطرح نسازد . پس شخصیت مطرح در شعر را نباید با شخصیت واقعی شاعر خلط کرد . ... برخی از منتقدان ، اصل اشعار عاشقانه را

---

۱ . همان ، ص ۱۷ و ۱۸

۲ . همان ، ص ۳۶

به روابط مرد و زن در دوران مادر سالاری که جامعه تحت حکومت زن بود مربوط کرده اند و اشعار عاشقانه را همان ستایش ها و اوراد و اذکاری دانسته اند که مرد برای زن حاکم بر جامعه می سرود و می خواند. بدین ترتیب در عصری که خدایان، زن بوده اند و رئیس جوامع کشاورزی، زن بوده است مدایح و اورادی در ستایش این الهگان وجود داشته که بعدها به صورت سنت ادب غنائی در آمده است.<sup>۱</sup>»

#### ادب دراماتیک یا نمایشی :

« ارسطو یکی از انواع مهم ادبی را ادب دراماتیک دانسته است . ادب دراماتیک یا نمایشی در یونان باستان و روم رواج بسیار داشت . در میدان های شهر ، نمایش نامه اجرا می کردند و مردم به دور بازیگران حلقه می زدند . ... ارسطو ادب دراماتیک را به دو نوع تراژدی و کمدی تقسیم کرده است :

#### ۱ - تراژدی یا غم نامه :

تراژدی نمایش اعمال جدی و مهمی است که در مجموع به ضرر قهرمان اصلی تمام می شوند یعنی هسته ی داستانی جدی به يك فاجعه منتهی می شود . این فاجعه معمولاً مرگ جان گذاز قهرمان تراژدی است . مرگی که البته اتفاقی نیست بلکه نتیجه ی منطقی و مستقیم حوادث و سیر داستان است .

#### ۲ - کمدی یا شادی نامه :

نوع دوم دراماتیک ، کمدی comedy است . کمدی اثری است که در آن مواد و مصالح به نحوی تنظیم شده باشند که توجه بیننده را جلب کنند و باعث سرگرمی شوند . در کمدی شخصیت های قهرمانان و شکست هایشان بیش تر جنبه ی شادی و سرگرمی دارند تا برانگیختن حس توجه جدی ، زیرا حس می کنیم بلکه مطمئنیم که فاجعه ی بزرگی اتفاق نخواهد افتاد بلکه سیر حوادث در جهت کامرانی بازیگر و قهرمان است .<sup>۲</sup>»

#### داستان :

« داستان یا ناول Novel اثری است روائی به نثر که مبتنی بر جعل fiction باشد . اگر دراز باشد

---

۱ . همان ، ص ۸۳ ، ۸۴ و ۸۵

۲ . همان ، ص ۹۲ ، ۹۳ و ۱۰۳



به انگلیسی به آن نوول و اگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه Short story گویند . معادل نوول انگلیسی در اکثر زبان های اروپایی رمان roman است . اصل واژه ی نوول انگلیسی واژه ی ایتالیایی Novella است به معنی « يك چیز كوچك تازه » . Novella که در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود نوعی قصّه ی کوتاه منثور است .<sup>۱</sup> «

---

۱ . همان ، ص ۱۱۲

## فصل دوم

### اثرپذیری ادبیات غنایی معاصر عرب خوزستان

۱- ۲ - اثرپذیری از ادبیات غنایی کلاسیک عرب :

برای آغاز بحث ، در ابیات زیر و ترجمه ی فارسی آن ها درنگی می کنیم :

« تحنّ إلى نجد و قد يمّمت نجدا	ذمّول أبت إنا السّراب لها وردا
إذا إستبقت للسّير تحسب صارماً	يسلّ على متن الرّبی و الدّجی غمدا
إذا هبّت النّکباء كانت لها رداً	و إن أرخت الظّلماء كانت لها بردا
تخال هلالاً ما تری من حولها	و نجم الثّریّا في مقلدها عقدا
تؤلّف بین الشّرق و الغرب إن سرت	ذمیلاً فلا غوراً تعانی و لا نجدا
تأمّ رشاً بالبیض و السّمّر خادرٌ	و لیس هما إلّا اللّواحظ و القدا
أصادقه وداً فیعقبني جفاً	و أسأله و صلاً فیجبهني رداً »

« مشتاق رفتن به نجد است و به راستی، آهنگ رفتن به نجد کرده است ، ماده شتر آسان روی

که به جز سراب ، نوشیدن هر آبی را پذیرا نیست ! \* به هنگامی که در رفتن ، پیش بیفتد ، گمان می کنی او شمشیری است که آن را علیه تپه ها ، برکشیده اند و می پنداری که تاریکی ، نیام آن تیغ است . \* اگر باد دو چندان ، بوزد ، آن باد برای او بالاپوشی است و اگر تاریکی ، او را در برگیرد ، آن تاریکی برای او پوششی می شود . \* به سبب لاغریش ، او را ، ماه نوی ، تصوّر می کنی ، در حالی که ستارگان خوشه ی پروین در گردنش ، گردنبندی هستند ! \* گاه آسان رفتن ، خاور و باختر را به هم پیوند می زند در حالی که از پستی و بلندی ، رنجی نمی برد . \* آهنگ دیدار آهو بره ای کرده است که با تیغ ها و نیزه ها ، از او محافظت می شود و آن شمشیرها و نیزه ها ، جز چشم ها و قدّ و بالایش ، نیستند ! \* عاشقانه با او دوستی می ورزم اما او در پس آن دوستی ، جفاکاری ، پیشه می کند و از او وصالی می خواهم اما او خواسته ام را رد می کند . »

آیا ما به عنوان خواننده ، تصوّر نمی کنیم که ابیات یاد شده ، مربوط به عصر جاهلی و یا عصر اموی-عبّاسی هستند ؟ آیا گمان نمی بریم که گوینده باید اهل شبه جزیره ی عرب باشد؟ اهل حجاز و شاید هم اهل یمن؟ سخن از اشتیاق رفتن به سرزمین نجد است و وسیله ی سفر ، يك ماده شتر . شاعر ، از « نکباء » می گوید ، بادی که از وزیدنگاه بادهای راست و معتدل ، منحرف می شود و میان دو باد ، مثلاً صبا و شمال ، قرار می گیرد . سخن از تپه های صحراست ، از تاریکی صحرا ، از ماه نو و ستارگان خوشه ی پروین صحرا ، از آهو بره ای صحرايي و از عشقی صحرايي !

چه کسی می تواند حدس بزند که سراینده ای معاصر ، این ابیات را سروده باشد ؟ سراینده ای که نه فقط شبه جزیره ی عرب را ندیده است بلکه هیچ گاه به مسافرت نرفته و همیشه در زادگاهش خرّم شهر زندگی کرده است <sup>۱</sup> ! او شاعری معاصر است به نام علی غریفی .

این بار ، از کتاب (لوعة الحزین و عبرة المؤمنین ) ابیاتی به همراه ترجمه ی آن ها،

نقل می شوند :

« بثينة قلبی فی هواک متیم      فهل لك قلب فی هوای متیم ؟

بثينة جودي فی الوصال سويعة      لمن هو قدماً فی وصالک مغرم

۱ . غریفی ، علی ، دیوان ، سیّدالشّهداء ، ۱۴۰۴ ه . ق ، ص ۳۳

أحبك لو تدرين كيف محبتي      لكنت سهرت الليل و الناس نوم

فيا وردة الأزهار يا غصن بانه      و ريم فلاة أنت ريم و مريم

لقد كنت أرجو الوصل و القرب عاجلاً      و لكن وشى و اشى و غرتك لوم

و قلبي مشتاق إليك و انني      لشوقك من خوف العوازل أكتم

فجودي بطيف من خيالك ليلة      فهجرك في شهر الربيع ، محرّم<sup>۱</sup> »

« ای بئینه ، قلب من در عشق تو ، بنده و خوار است . آیا تو قلبی داری که در عشق من ، بنده و خوار باشد ؟ \* بئینه ، ساعتی در وصال خویش ، بخشندگی کن ، برای کسی که از پیش ، در وصال تو سرمست بوده است . \* تو را دوست می دارم ، اگر چگونگی عشقم را بدانی ، در حالی که مردم به خواب رفته اند ، تو ، شب را بیدار می مانی . \* ای گل سرخ گل ها ، ای شاخه ی درخت بان و ای آهوی سفید شنزار ، تو ، هم ریمی ( آهوئی ) و هم مریمی ! \* به راستی ، امید وصال و نزدیکی زودرس را داشتیم و لیکن سخن چینی ، سخن چینی کرد و سرزنش کنندگانی ، تو را فریب دادند . \* آری ، قلب من ، مشتاق دیدار توست در حالیکه من ، از ترس سرزنش کنندگان ، اشتیاق دیدار تو را ، نهان می کنم . \* پس ، با آمدن خیال خویش ، به خواب من ، در شبی ، بخشندگی کن ؛ زیرا در ماه

ربیع ( بهار ) ، روی گردانی تو ، محرّم ( حرام شده ) است . »

حال و هوای ابیات که از شاخص های آن ، بئینه ( یکی از معشوقه های عصر جاهلی و اسلامی ) ، شاخه ی درخت بان ، آهوی سفید شنزار و ... هستند ، باز هم ، ما را چند قرن ، به عقب بر می گرداند ، اما گوینده از معاصران است و به تأثیر از میراث ادبی ، ابیات خود را سروده است .

عادل سکرانی یکی از شاعران معاصر ، در ابیاتی چنین می گوید :

« من أوّل الشّام حتّى آخر الیمن      أبكي مع الأمس و العثاق و الطعن

۱ . موسوی جابری ، چاسب ، دیوان لوعة الحزین و عبرة المؤمنین ، امیر ، ۱۳۶۴ هـ . ش ، ص ۹